

«**هوا رو به تاریکی است ولی نور مشعل فلرها هنوز آسمان را روشن نگه داشته‌اند. چیزی به شام نمانده، رستوران در طبقه اول ساختمان اداری است. البته ساختمان‌های اینجا با ساختمان‌های شهری فرق می‌کند، سازه‌های سکوفلزی و صنعتی‌اند و اینجا خبری از خاک و سیمان و گچ و آجر نیست. انگار کلتینر تریلر را روی هم سوار کرده‌اند و رنگ سفیدی هم به آنها زده‌اند**

■ **سر آشپز: شرایط سکوباهمه جافرق می‌کند، مواد غذایی که استفاده می‌کنیم با کشتی یا بالگرد به سکومی می‌آید، سعی می‌کنیم بهترین مواد غذایی را سفارش بدهیم. سکوا امکانات رفاهی خاصی برای کارکنان ندارد. پس بهترین تفریح و تها تفریح آدم‌های سکورستوران است. سعی می‌کنیم با استفاده از مواد غذایی رنگی مانند سبزیجات و شکل دادن به آنها انرژی و شادابی را به همکاران مان برگردانیم**

■ **کار کردن روی سکوم مانند کار کردن روی بمبی است که هر آن احتمال دارد منفجر شود. حساب کنید لوله‌های گازی که از سکوبه چاه‌های نفت تزریق می‌شود حدود ۲ هزار ۵۰۰ پی‌اس‌آی فشار دارد و اگر یکی از همین لوله‌ها به اندازه نوک سوزن نشتی پیدا کند، ممکن است کل سکوروی هوا برود. استنشاق همین گاز حتی برای چند ثانیه باعث مرگ می‌شود. صدای سوت انتقال گاز در لوله‌ها به مرور به شوالی آسیب می‌رساند**

را استراحت کنیم؛ هر جایی که سرک می‌کشیم شیفت دوم را بیدار می‌بینیم و در حال کار. واقعاً کار کردن روی سکو برای یک لحظه هم متوقف نمی‌شود. ساعت ۵ صبح گذشته که سرزده و مانند بازرس‌ها وارد اتاق مهندس یزدان پناه، رئیس سکومی شویم. سرگرم بررسی گزارش‌های ۲۴ ساعت گذشته مرکز تعمیرات و بهره‌برداری است. آمارها را با چند روز پیش تطبیق می‌دهد تا ببیند تولید کاهش داشته یا افزایش. بررسی‌ها نشان از افزایش دارد.

مهندس هم درباره کار روی سکو و مشکلات کارکنان طرح اقماری حرف‌هایی دارد که شنیدنی است: «کار کردن روی سکوهای نفتی برای خیلی‌ها غیرقابل درک و تحمل است و اغلب درک دقیقی از کارکنان ما ندارند و اینکه افراد اینجا با چه شرایط روحی و روانی و جسمی کار می‌کنند. من بارها گفته‌ام و حتی صاحبان فن هم می‌دانند کار کردن

کردن یا هم نیست. کسی که می‌خواهد تلویزیون ببیند یا باید روی تختش دراز بکشد یا اینکه با هایش را جمع کند و پایین بنشیند. همه اتاق‌ها همین شکلی هستند و درست با همین عرض و طول. فرقی هم نمی‌کند مهندس باشی یا اپراتور یا کارگر خدماتی؛ امکانات برای همه یکی است. اتاقی که ما آمده‌ایم فعلاً یکی از ساکنانش حضور دارد، فرج‌الله اردشیری لردجانی که ۱۰ سال است روی چاه‌های نفتی کار می‌کند. ۵۰ ساله است و ۵ سر عائله دارد. لردگانی است و برای بازگشت به خانه‌اش راهی طولانی طی می‌کند. وقتی که وارد اتاقش شدیم در حال تماشای تلویزیون بود. می‌گوید تنها تفریحش تماشای تلویزیون است. بر خلاف اینکه تصور می‌کردم به خاطر شرایط آب و هوا و دوری از خانواده و حساس بودن شغل، حقوق خوبی می‌گیرند، متوجه می‌شوم که اصلاً این‌طور نیست. حقوق اردشیری با اضافه کاری و چیزهای دیگر حدود ۲ میلیون و



عکاس علی‌محمدی/ایران

سفر به بزرگ‌ترین سکوی نفتی خاورمیانه؛ از لاوان تا سلمان – بخش دوم و پایانی

رنجی که برای «طلای سیاه» می‌کشیم

حمید حاجی‌پور

در بخش نخست این گزارش که یکشنبه ۲۶ دی‌ماه به چاپ رسید، ماجرای سفر به سکوی نفتی سلمان در میانه خلیج فارس و در میدان مشترک نفتی ایران و امارات را خواندید و با مختصات این سکو و یکی دو بخش فنی آن آشنا شدید. اینک در بخش دوم و پایانی بازندگی و دلمشغولی‌های کارکنان بیشتر آشنا می‌شویم.

هوا رو به تاریکی است ولی نور مشعل فلرها هنوز آسمان را روشن نگه داشته‌اند. چیزی به شام نمانده، رستوران در طبقه اول ساختمان اداری است. البته ساختمان‌های اینجا با ساختمان‌های شهری فرق می‌کند، سازه‌های سکوفلزی و صنعتی‌اند و اینجا خبری از خاک و سیمان و گچ و آجر نیست. انگار کانتینر تریلر را روی هم سوار کرده‌اند و رنگ سفیدی هم به آنها زده‌اند. ابعاد اتاق‌ها هم کوچک‌تر از مترمستراست. هر چه باشد اینجا سکوست.

سازه‌ای فلزی در ۱۵۰ کیلومتری جزیره لاوان. همراه با افسر ایمنی وارد آشپزخانه می‌شویم. سر آشپز و چند آشپز دیگر در حال تدارک شام هستند. یکی ماهی سرخ می‌کند و دیگری برنج را آماده می‌کند و بقیه هم سالاد و ماست را روی میز غذا می‌چینند. همه چیز تر و تمیز و بدون عیب و نقص. محمد ربیعہ سر آشپز سکو با لباس یکدست سفید و کلاه استوانه‌ای، بی‌شباهت به سر آشپزهای فرانسوی نیست. از او درباره کیفیت غذا روی سکو

می‌پرسم، البته تا یادم نرفته بگویم او اهل آبادان است و پیر از انرژی: «شرایط سکو با همه جا فرق می‌کند، مواد غذایی که استفاده می‌کنیم با کشتی یا بالگرد به سکو می‌آید، سعی می‌کنیم بهترین مواد غذایی را سفارش بدهیم. سکوبه خاطر محدودیت فضا، امکانات رفاهی خاصی برای کارکنان ندارد. پس بهترین تفریح و تنها تفریح آدم‌های سکو رستوران است. ماسعی می‌کنیم با استفاده از مواد غذایی رنگی مانند سبزیجات و شکل دادن به آنها تا حدی انرژی و شادابی را به همکاران مان برگردانیم».

ساعت نزدیک ۷ است و کم‌کم سرو کله همه آدم‌هایی که امروز دیده‌ام پیدا می‌شود. همه بشقاب و قاشق و چنگال به دست؛ اول سالاد بعد غذا. طولی

نمی‌کشد که صندلی‌های رستوران کوچک پر می‌شود از آدم‌هایی که امروز شاهد کار سخت‌شان بوده‌ام. خیلی طول نمی‌کشد که بفهمم رستوران فقط جایی برای غذا خوردن نیست، بلکه جایی است برای دورهم نشینی و گفتن و خندیدن و فرار از دلتنگی‌ها.

از رستوران تا محل استراحت کارکنان فقط چند پله فاصله است. در را که باز کنیم، راهروی دراز و کم عرض مسیر را نشان‌مان می‌دهد. جلوی اتاق‌ها کفش‌ها جفت شده‌اند. یعنی آنهایی که شیفت‌شان تمام شده برگشته‌اند برای استراحت. در می‌زنم و وارد یکی از اتاق‌ها می‌شوم. اتاقی که بیشتر از ۶ متر مساحت ندارد و دوسوم آن را تخت و کمدها گرفته‌اند؛ ۴ تخت و ۴ کمدها. چار برای دراز

خنده‌ای می‌شود. اگر فیش حقوقی‌اش را نمی‌دیدم باورم نمی‌شد. وقتی از او می‌پرسم که چرا اینقدر کم؟ می‌گوید: «حقوقم راضی‌کننده نیست ولی خدا را شکر می‌کنم که می‌توانم نان حلالی برای خانواده‌ام ببرم. آنها هم امیدشان بعد از خدا به من است.»

از او خداحافظی می‌کنم ولی درد دل‌هایش کاملاً به هم را مشغول کرده. موقع استراحت، بعضی‌ها در صف حمام هستند و چند نفری هم توی اتاق بیلیارد بازی می‌کنند و سن‌وسال دارا هم بیرون ساختمان رویه‌روی دریا ایستاده‌اند؛ خاطرم می‌گفتند ماهی می‌گیرند. در این هوای طوفانی فعلاً دو ماهی تک‌خال دشت کرده‌اند.

من و عکاس قرار نیست امشب

رواسته سال‌های سال با این مشکل کنار بیایم. پشتیبان خوبی دارد. همسران ما پشتیبان خوبی هستند و در غیاب‌مان توانسته‌اند خانه را مدیریت کنند و برای فرزندانمان هم مادر هستند هم پدر. اگر همسر نتواند از پس مشکلات بر بیاید شوهرش نمی‌تواند در چنین شرایطی تاب بیاورد و مجبور به بازگشت می‌شود. چنانچه در طول سال‌های گذشته برخی همکاران درخواست انتقال دادند و به شهر خودشان بازگشتند.

اما گلایه دیگری هم دارم که دغدغه همه کسانی است که اینجا کار می‌کنند. حقوق‌های نجومی می‌گیریم ولی اصلاً این‌طور نیست. تفاوت حقوق ما نسبت به کسانی که روی خشکی یا شهرهای

بزرگ کار می‌کنند در بدی آب و هوا و شرایط سخت کاری است. اگر بشود دوری از خانواده و استرسی را که بچه‌ها تحمل می‌کنند هم محاسبه کرد، می‌شود گفت ارزشی ندارد. هنوز پس از چندین سال وامی که به ما می‌دهند همان ۱۵ میلیون است. این در حالی است که هم‌رتبه‌های ما در شرکت‌های دیگر داخلی و خارجی، ساعت ۹ و ۴۵ دقیقه صبح است و بالگرد «تهران ق» یا به قول بچه‌های سکو «پیکان ب» دنبال‌مان آمده. دقیقاً ۲۴ ساعت با کارکنان سکو زندگی کردیم؛ حرف‌ها و مشکلاتشان را شنیدیم و حالا زمان رفتن است یا بهتر که بگویم زمان فرار. فرار این‌سوت نیز تزریق گاز و آتش فلرها و آهن سرد و امواج بی‌قرار.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۲۴۵۵

آسان

افقی: ۱- بازیگر مرد سریال «ماه و پلنگ»- حبله ۲- تاراج- دکل فرستنده و گیرنده- پستبد و خوب ۳- فرمانروایی- مهم‌ترین شعبه نژاد سفید- آبرگونه ۴- آگاه باش- حرف تعجب- وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران- پارچه زربفت ۵- واحد مساحت- جوشن- واحد فرآورده‌های نفتی ۶- خانه کوچک- ظرف آب و مایعات نوشیدنی- حرف هجدهم ابجد ۷- تبهکار- کشور کوچک و مستقلی بین فرانسه و اسپانیا- ظرف قهرمانی! ۸- نمایندگی- مته برقی- هر نوع ترس مرضی ۹- جوش ریز بدن- شهد- تهیه و تنظیم و ارسال مدارک ۱۰- عود- نوعی پستی- کاخی که به دستور لویی سیزدهم بنا شد ۱۱- تمدنی خاک شده- گفت‌وگوی شکوه‌آمیز- خدای دروغین ۱۲- یکی از صورت‌های فلکی- پسر مازنی- فریاد نزدیک- از تعجب در می‌آوردند ۱۳- کشور آسیایی- تازه و نو- پشت سر ۱۴- رسیدگی و تحقیق- رنگی است مانند خنا- امپراتور روم ۱۵- ضربه مشت از بغل در بوکس- تابلوی رنوار

جدول عادی ویژه

افقی: ۱- یکی از میوه‌های فصل بهار و نیز نوعی خورشت اصیل ایرانی-ال‌سی‌دی لمسی ۲- رسم و روش- بنفش بسیار روشن- واژگون ۳- برابر- وسیله خنک نگهدارنده- چندنگنه ۴- شهری قانون- بگوی قرآنی- زندگانی- رفیق مشهدی ۵- اسب آذری- قیام- دی مردم‌قیم‌گذار اصلی پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود- کلیه ۶- شهری در استان خوزستان- کمیند سیرک- نکوهش ۷- بستی خوشمزه- درخت جنگلی ۸- صمیمیت- کشمکش- نظریه‌انشتین ۹- از ورزش‌های توصیه‌شده اسلام- شهر مرزی آذربایجان غربی- روانشناس اتریشی ۱۰- یک عامی- امری که واضح و ثابت شده- لطافت و ظرافت ۱۱- پذیرفته‌شده- نیمته گرم که روی جامه‌های دیگری می‌پوشند- والنده ۱۲- ضمیرمفعولی- رویی خرخ‌نومبیل- بخاردهان- عزت، جلال ۱۳- گلی معطر- وقت کاری- آسیب جسمی یا روحی ۱۴- دهلیرز خانه- اصطکاک- چاشنی غذا ۱۵- حشره چسبنده- پستی در تیم فوتبال

متوسط

عمودی: ۱- اثری از ابروین شاو- صندوق کوچک ۲- بیگانگان- دستور قطعی- راه فرار ۳- اشاره به دور- ارمغان ساوه- جرم کوچک آسمانی ۴- کله و سر- یار- پرنده تنها- کاهن ۵- این کباب غذایی برای گیاهخواران است- وسیله زمان‌سنج الکتریکی- عنصر گواتر ۶- دوبار هم قد- الهه نگهبان شهر آتن- لعنت ۷- روشنی- پری و انباشتگی- کشوری در منطقه خاورمیانه ۸- پارچه‌ای نخی- ورودی خانه- شل هندسی ۹- نغمه- از الیسه- بدنام ۱۰- ناگزیری- حفاظ چوبی- زائوترسان ۱۱- دریا- مردان بلندپایه- دریافت زیاد این عنصر فلز قلیایی با فشار خون بالا ارتباط دارد که از عوامل خطر ساز جدی در بروز بیماری قلبی است ۱۲- شهری دفاع!- نوعی کشتی- شاعر اوایل دوره قاجاریه- پول خرد هند ۱۳- دکان- بازی زو- کنکاش ۱۴- شوره زار- از سازمان‌های بین‌المللی که در زمینه توسعه کشاورزی فعالیت دارد- دارای میوه ۱۵- قطعی برای کتاب- اتاق نمایش فیلم

سخت

عمودی: ۱- تدبیر و آینده‌نگری- نام کوچک میرزایی- گزارشگر محبوب ورزشی ۲- سرخرگ اصلی بدن- شایع‌ترین بیماری پوستی- فیلسوف فرانسوی ۳- پشت سر کسی بدگویی کردن- کلمه افسوس- ماما ۴- زشت و ناخوب- فرود آمدن آیه قرآن- تیرپیکاندار- هنوز قاجار نشده! ۵- آگاهی- از احجار کریمه- آخرین یک‌رقمی ۶- خطاب بی ادبانه- واجب شدن حق بر کسی- دریدر ۷- ماشین دارد اما بعضی‌ها ندارند- کاری- پسر یعقوب نبی ۸- جنگ افزار- رگ کردن- رئیس ده ۹- کار سرسری- پایتخت هند- پرش عضلات ۱۰- زرتگ و متقلب- خشکاد- پراگندگی ۱۱- درخت انگور- باوراندن اندیشه و طرز فکری خاص به دیگری- پرداختن شرعی ۱۲- زمان اندک- قوریانغ- زبان در کام کشیده- بالابوش ۱۳- کشوری کوهستانی و نسبتاً پرباران در اروپا- جاببدان- تألیف‌کننده ۱۴- فرو ریختن دیوار و سقف- خوار و حقیر- اتفاق نظر ۱۵- کیسه درویشان و شکارچیان- رضایت مندی مشتری- جلب اعتماد وی و برآورده شدن خواسته‌ها و انتظارات او

جدول ویژه شماره ۶۴۰۸

حل جدول ویژه شماره ۶۴۰۸

جدول عادی شماره ۶۴۰۸

حل جدول عادی شماره ۶۴۰۸